

«تقویت حس شهروندی» در گفت‌وگو با دکتر عباس منوچهری

استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

# با همه مردم شهر زیر باران باید رفت

در چه جوامعی احساس مسئولیت نسبت به «حیات جمعی» پررنگ‌تر است؟

مینابینی  
خبرنگار

«چشم‌ها را باید شست  
چور دیگر باید دید....

فکر را خاطره را زیر باران باید برد

با همه مردم شهر زیر باران باید رفت»

دکتر عباس منوچهری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، از این شعر سهراب سپهری بهره می‌گیرد تا منظور و مطلوب نظر خود را درباره حس شهروندی در حیات مدنی و احساس مسئولیت نسبت به حیات جمعی را توصیف کند؛ «شان شهروندی و داشتن حقوق و خویش مسئول انگاری در حیات مدنی، می‌تواند برای آرامش درون و معناداری در زندگی بسیار مؤثر باشد. این امر، وجود یک جامعه سالم را ممکن می‌کند؛ جامعه‌ای که پریشانی‌هایش کمتر از خشنودی‌ها و صلح و صفایش بیشتر از منازعات و افسردگی و پوچ انگاری است.» او در این گفت‌وگو از راه‌های تقویت حس شهروندی می‌گوید و اینکه چگونه از این طریق می‌توان جامعه‌ای سالم تر داشت.

▪ جناب دکتر منوچهری! در جایی خواندم که شما حال و روز «علوم سیاسی» را در این روزها «حاشیه‌نشین نظام دانیایی» توصیف کرده بودید. حال می‌خواهیم از شما بشنویم به حاشیه رفتن علوم سیاسی در یک جامعه، چقدر می‌تواند بر «تعلیم و تربیت مدرن جوامع» اثر سو، داشته باشد؟

اساساً در فرهنگ و نظام دانیایی فعلی ما، علوم انسانی- اجتماعی «ظرفیت لازم» و «جایگاه شایسته» خود را برای ایفای نقش مدنی- ارزشی ندارد. البته این موضوعی است که باید آسیب‌شناسانه تحلیل شود.

▪ بی‌پاسخ ماندن برخی از مشکلات در جوامع امروزی آیا می‌تواند نتیجه چنین آسیبی باشد؟

امروزه اقتصاد کلان-سرمایه‌داری اساساً تا آنجا به علوم انسانی بها می‌دهد که ابزاری برای تکمیل مناسبات کلان-سرمایه‌داری باشد.

اگر به نقش رسانه‌ها و سیستم تبلیغات توجه کنیم، می‌بینید که چگونه از زن و مرد و کودک به‌عنوان تیپ‌های اجتماعی برای فروش کالا و ترویج مصرف‌گرایی برای اقشار خاصی استفاده می‌شود. در جایی که شاهد «پام- خوابی» و «گور- خوابی» باشیم تبلیوهای تبلیغاتی و تیزرهای تبلیغاتی در رسانه‌ها مخاطبان خاصی دارند. اینها نشانه‌های «نیوپولیسم معرفتی» در نظام دانیایی و اقتصادی است و طبیعی است که بسیاری از مشکلات بی‌پاسخ بماند.

▪ شما در یکی از گفت‌وگوهای خود عنوان

▪ ارزیابی شما از وضعیت «علم سیاست» در ایران چیست؟

متأسفانه در ایران هنوز «علم سیاست» خارج از قلمرو علوم انسانی قرار دارد و موازین و الزامات دانش طبیعی بر آن حاکم است و نه الزامات دانشی که به امر مدنی/سیاسی بپردازد؛ یعنی دانشی که به امری انسانی و به زندگی و مشکلات و امکان‌های انسان‌هایی مرتبط باشد که با هم در جامعه زندگی می‌کنند.

البته در حوزه فلسفه جریان‌هایی همچون «پدیدارشناسی» و در نظریه‌های اجتماعی «اندیشه انتقادی» در حال قوت گرفتن هستند که این می‌تواند مؤید «علم سیاست مدنی» شود. البته در کشور، جریان‌های فلسفی تحلیلی پوزیتیویستی و جریان‌های فکری- اقتصادی نولیبرالی مسیر دیگری را طی می‌کنند.

در «علم سیاست پوزیتیویستی طبیعت‌گرا» که در ایران حاکم است، انسان مانند دیگر جانداران موجودی طبیعی- مادی است که فقط با داشتن عقل ابزاری- یعنی عقل محاسبه‌گر و فایده‌طلب از دیگر موجودات زنده قابل تمایز است. این تعبیر، به نینالگذازان سیاست مدرن یعنی هابز و ماکیاولی بازمی‌گردد که انسان‌ها را «گرگ یکدیگر» می‌دانستند و ستیز و نزاع را به منش و سرشت انسان اطلاق می‌کردند.

▪ اشکال این نگرش در چیست؟ «اخلاق شهروندی» در این نگرش چه جایگاهی دارد؟

اشکال این نگرش در ملاک انسان‌شناسی‌شان بود. آنان مشاهده خود از انسان‌های واقعاً موجود در انگلستان نیمه اول قرن هفده، که درگیر جنگ بر سر دارایی و تملکات اقتصادی با یکدیگر بودند، یا فلورانس ماکیاولی که از همه سو مورد تهدید و نیز از درون گرفتار مجادلات گروه‌های همسود بود، ملاک انسان‌شناسی خود قرار دادند و به ضرورت قدرت مهارکننده این وضعیت و ایجاد صلح اجتماعی از طریق قدرت متمرکز قائل شدند. طبیعی است که در این چارچوب بینشی و روشی، «اخلاق شهروندی» سیاست به «امر مدنی» یعنی زندگی عمومی و شرایط امکان خوب زیستن می‌پرداخت. البته امروزه نیز چند پارادایم از پارادایم‌های «علوم سیاسی» این نوع دانش سیاسی را احیا کرده‌اند.

## تجربه

▪ حقوق بشر مدرن اساساً «فرد بنیاد» و «فایده‌گرا» بوده است؛ هر چند طی چند دهه گذشته تعدیل شده، اما ظهور و احیای مجدد نولیبرالیسم، هویت انسانی را از «هویت شهروندی» دور کرده است.

▪ وقتی قوانین از اعضای یک جامعه «تبعیت» بطلبند نه «مشارکت»؛ طبیعی است که «هویت شهروندی» شکل نمی‌گیرد و احساس مسئولیت نسبت به حیات جمعی در اعضای جامعه قوام نمی‌یابد.

▪ شان شهروندی و داشتن حقوق و خویش مسئول انگاری در حیات مدنی، می‌تواند برای آرامش درون و معناداری در زندگی بسیار مؤثر باشد.

▪ در جوامع امروزی، زندگی در قالب کلانشهرهایی جریان دارد که هم محدودیت‌ها و هم فرصت‌هایی را برای افراد ایجاد کرده‌اند و با وجود ارتباطات متکثر افراد در محیط‌های شهری، افراد دیگر حتی در سطح خانواده یا محله هم تعلق خاطر ذهنی و عینی ندارند.

«فروتیک» (فراستی) نامید، شهروندی شان انسانی است و همین شان است که محور و بنیاد زندگی در شهر (یا همان کشور یا دولت) محسوب می‌شد.

پارادایم کلاسیک، هویت انسانی را هویتی اجتماعی- مدنی می‌دانست. یعنی هر انسانی به تبع تعلق به یک کلیتی -اتوس- طبع مدنی داشت و خود را در ارتباط با دیگران در شهر-کشور می‌دید و زندگی را همانا در زیستن با دیگران می‌فهمید و انتخاب‌ها و ترجیحات هر کس در بطن همین تعلقات و ارتباطات تعیین می‌شد؛ هر شهروند هم حقوقی داشت هم مسئولیتی.

▪ «حقوق شهروندی» در عصر مدرن چه تحولاتی پیدا کرد؟

اما در آغاز عصر مدرن تا به امروز تفکر سیاسی قدرت‌مدار- چه قدرت حکمرانی و حکومت بوده باشد چه الزامات مکانیزم بازار، آدمیان افراد مجزای از هم و تولیدکننده ارزش‌های مادی محسوب می‌شوند که بالاچار در محیط‌های معینی با هم زندگی می‌کنند. اما اصل برای آنها «هویت فردی» و خواسته‌ها و انتخاب‌ها و ترجیحات فردی است.



۲ **هویت انعکاسی:** در زمانه‌ای که ارتباطات و دنیای مجازی قدرت گرفته است دو نوع هویت پیدا کرده‌ایم؛ یکی «هویت واقعی» و دیگری «هویت مجازی»؛ که خود این دو نوع هویت منجر به شکل‌گیری «هویت انعکاسی» می‌شود. در این وضعیت، حتی اگر بحران هویت هم پیدا کنیم بی‌تردید با سه اصل هویتی روبه‌رو خواهیم شد؛ «هویت واقعی» چیزی که ما از خودمان در «مناسبات واقعی» با دیگران می‌شناسیم، «هویت مجازی» چیزی که ما از خودمان در «مناسبات مجازی» با دیگران می‌شناسیم و «هویت انعکاسی» که نتیجه انعکاس «مجاز در واقعیت یا واقعیت در مجاز» است. اگر جنس هویت‌یابی در دنیای امروز



انتویایی نیست. جوامعی بوده و هستند؛ دوران‌هایی از زندگی بشر بوده و هست که اینگونه است. به قول سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست/ جور دیگر باید دید.... با همه مردم شهر زیر باران باید رفت»

▪ «هویت شهروندی» اغلب در چه جوامعی بدرستی قوام نمی‌یابد؟ در واقع می‌خواهیم بدانیم در اثر چه عواملی حس مسئولیت نسبت به «حیات جمعی» کم می‌شود؟

در جایی که شهروندی عملاً بی‌ارزش باشد در نظام آموزشی، یک دانش آموز به‌عنوان «یک شهروند برای آینده» دیده نمی‌شود. وقتی موفقیت در زندگی به‌مدلی است، آمار خشنونت‌هایی چون زورگیری‌ها، میزان طلاق در شهرهای بزرگ و کثیری از پرونده‌های اختلاف‌های مالی میان افراد، نشان‌دهنده نقصان‌های جدی در شیوه زیست در شهرها است. قضایای سیل و ویرانگری آن در هرجا که باشد و پاسخگویی درباره آن نباشد نشانه ضایعه‌بار غیبت رابطه «شهروند» و «کارگزاران» است. حقوق شهروندی «پاسخگویی» را می‌طلبد و مسئولیت شهروند مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها برای سرنوشت شخصی و اجتماعی‌شان را طلب می‌کند. شهروندی امری صرفاً صوری - ساختاری نیست؛ چه بسا که شان شهروندی و داشتن حقوق و «خویش مسئول انگاری» در حیات مدنی، می‌تواند برای آرامش درون و معناداری در زندگی بسیار مؤثر باشد. این امر، وجود یک جامعه سالم را ممکن می‌کند؛ جامعه‌ای که پریشانی‌ها بسیار کمتر از خشنودی‌ها و صلح و صفا بسیار بیشتر از منازعات و درگیری‌ها و پریشان‌حالی‌ها و افسردگی و پوچ‌انگاری می‌تواند باشد. اینها رؤیایرذاری نیست و انگاره‌ای

به‌همین جهت است که می‌گوییم «حقوق شهروندی» موضوع دانش حقوق به تنهایی نیست. فلسفه مدنی- دانش مدنی/ اصل، که موضوع آن شهروندی است، حتی بیش از دانش استاندار با موضوع شهروندی مرتبط هستند. اما نه در دانشگاه‌ها، نه در میان کارگزاران و تصمیم‌گیران، متأسفانه وقوفی به این امر نیست و این امر قطعاً آسیب‌زا است و هر جامعه‌ای را می‌تواند به فرمایش ارزشی و اقتصادی بکشانند.

۴ **عدالت آموزشی:** نقطه مثبت مجازی شدن آموزش برای دانشگاه‌ها و مدارس «عدالت آموزشی» است؛ چراکه امروز امکان استفاده همه دانشجویان از فایل‌های آموزشی استادان در دانشگاه‌های دیگر فراهم شده است و خاص‌بودگی محیط‌های آموزشی کاهش یافته است.

۵ **اجتماعات علمی:** اتفاق دیگری که در نتیجه مجازی شدن آموزش رخ می‌دهد «شکل‌گیری اجتماع مجازی» است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام‌های آموزشی شکل دادن «اجتماعات علمی» است؛ اجتماع علمی موقعیتی است که افراد می‌توانند نظرات، نظریه‌ها و پرسش‌های خود را مطرح کرده و به گفت‌وگوی علمی بپردازند. با مجازی شدن آموزش این امکان محدود شده اما با این حال، فرصت‌های دیگری در قالب وبینارها و همایش‌های مجازی فراهم شده است که محدودیت‌های گذشته را در بعد مکانی و زمانی کاهش داده است؛ هرچند که مزایای حضوری اجتماع علمی تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

را «انعکاسی» در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که سهم هویت مجازی در مقایسه با هویت واقعی افزایش روزافزون دارد. در این فضا، جامعه‌پذیری‌های ما نیز به سمت درونی کردن هر چه بیشتر ارزش‌های مجازی پیش می‌رود، در نتیجه آن نظام‌های واقعی و آن کنترل‌های بیرونی که پیش از این در محیط‌های واقعی وجود داشت، جای خود را به کنترل‌های مجازی و جامعه‌پذیری مجازی خواهد داد.

۳ **فرهنگ دانشجویی:** آنچه در دانشگاه اهمیت دارد بیش از هر چیزی «فرهنگ دانشجویی» است؛ البته فرهنگ دانشجویی لزوماً امر مثبتی نیست و گاهی کارکردهای منفی هم دارد. «جامعه‌پذیری مجازی» باعث می‌شود تا فرهنگ دانشجویی و دانش‌آموزی بیشتر به سمت فرهنگ مجازی و گروه‌های مجازی شیفت پیدا کند. مادامی که فرهنگ دانشجویی واقعی تضعیف می‌شود و یک فرهنگ مجازی شکل می‌گیرد، آثانی که در فضا مجازی قدرت بیشتری دارند تأثیرگذار می‌شوند.

پیامدهای «مجازی شدن آموزش» در عصر کرونا

## مصائب و محاسن «بی‌کلاسی»!

دکتر علی انتظاری  
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

پاندمی کرونا که این روزها، بسیاری از ساحت‌ها را متأثر از خود کرده، جنس مناسبات در فضاهای آموزشی اعم از دانشگاه و مدرسه را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است و طی آن، آموزش‌ها به سمت آموزش‌های غیرحضور و مجازی سوق پیدا کرده‌اند. در این فضا، شاید این پرسش مطرح شود که تولید علم برای جامعه در شرایطی که همه‌چیز در قالب «اجتماعات مجازی» در حال انجام است و با غیبت اجتماعات علمی مواجه‌ایم، چه سرانجامی خواهد یافت؟ واقعیت این است که ارتباط دانشگاه با مسائل جامعه بستگی به شناخت دانشگاه‌ها یا اجتماعات علمی از رسالت‌شان دارد و این معطوف به بستریهایی فراتر از اجتماعات علمی است. مشکل ما این است که اساساً جایگاه دانشگاه‌ها در حل مسائل جامعه تعریف نشده است. از این رو، دانشگاه چه مجازی باشد چه واقعی چندان بر مسئله تولید علم برای جامعه اثری نخواهد داشت.



آسیب‌هایش برحذر بود و از مزایایش بهره برد.

با آمدن پاندمی کرونا «تجمعات مجازی» در مقایسه با گذشته بیشتر شده که خود این امر باعث «قدرت گرفتن مجازی» می‌شود؛ این افزایش قدرت در عین حال که می‌تواند به بخش‌هایی همچون مناسبات واقعی و هویت واقعی جامعه لطماتی وارد کند، از طرف دیگر، ظرفیت‌هایی هم در عرصه مجازی ایجاد کرده و منجر به شکل‌گیری «اجتماعات مجازی»، «هویت مجازی» و «جامعه‌پذیری مجازی» شده است. اگر بخواهیم به ذکر عمده‌ترین پیامدهای «مجازی شدن آموزش» و «غیبت اجتماعات علمی» بسنده کنیم می‌توان این موارد را مذكر کرد:

۱ **شخصیت‌سازی و جامعه‌پذیری:** حضور در فضای «مدرسه» و «دانشگاه» نقش بسیار پررنگی در «شخصیت‌سازی» و «جامعه‌پذیری» دانش‌آموزان و دانشجویان دارد به این اعتبار، مجازی شدن آموزش می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد.